بررسی تحولات اکولوژیکی و زندگی در بخش مرکزی شهر تهران

حافظ نیا، محمد رضا

تحقیق حاضر بررسی یک محله از لحاظ اکولوژیکی در بازار شهر تهران می‏باشد که به خوبی می‏توان تمام مراحل اکولوژیکی را از قبیل:

1-نفوذ 2-هجوم 3-تثبیت 4-تراکم و توده شدن را در آن دید.

محل مورد مطالعه با توجه به ویژگیهای خاص خود از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و قومی تشکیل یک گتو1می‏دهد.روش کار به این صورت بوده‏ است که ابتدا تئوریهای مربوط به تحقیق‏2،تهیّه و سپس براساس آن‏ (1)- Chetto یک واژه ایتالیایی است و اول بار در سال 1516،عنوان گتو در شهر ونیز به کار گرفته شد.از گتوها تعاریف و مفاهیم بسیاری ذکر شده است.آنچه‏ در زیر می‏آید فشرده‏ای از این تعاریف می‏باشد:

گتو،به منطقه یا محله‏ای از شهر گفته می‏شود که در آن،اقلیّتهای مذهبی، قومی و زبانی در نتیجه فشارهای اجتماعی-اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروههای شهری زندگی می‏کنند.گتو،بیانگر زندگی و محدودیت یک اقلیّت در میان‏ یک اکثریت بزرگ شهری است.گتو،نتیجه جدایی گزینی اکولوژیکی است که از روی‏ اجبار و در جهت دوری از تجاوزات و مزاحمتها در بخشی از شهر تشکیل می‏شود و جدایی مذهبی،نژادی و فقر را از سایر بخشهای شهری نشان می‏دهد.اکولوژی‏ اجتماعی شهرها-ص 63.

(2)-برای اطلاع از تئوریهای مربوط رک:شکویی،دکتر حسین،جغرافیای‏ اجتماعی شهرها-اکولوژی اجتماعی شهر سال 1365،انتشارات جهاد دانشگاهی.

چهارچوب کلّی بررسی مشخص گردید.بر مبنای این تئوریها،پرسشنامه‏ای‏ تنظیم و تحقیقات هم از طریق مطالعهء میدانی(حضور در محل و مصاحبه با اهالی،تهیه اسلاید،مراجعه به ادارات ذیربط به ویژه شهرداری تهران و شهرداری منطقه 12)و هم از طریق مراجعه به کتابخانه‏ها و کتب مربوط انجام شده است.

موضوع مورد مطالعه این تحقیق،عبارتست از بررسی اکولوژیکی‏ یک حوزهء اجتماعی در مرکز شهر تهران که در تقسیم‏بندی ارنست برگس‏1 از شهر شیکاگو که آن را به عنوان نمونه انتخاب کرده و در مورد آن مطالعه‏ نموده است با دایره شماره 1 تطبیق می‏کند.2وی نام آن را بخش لوپ یا فعّالترین ناحیه تجاری نهاده است.بنابر عقیده وی در ابتداء پیدایش شهر تمام فعالیتهای تجاری،صنعتی و همچنین واحدهای مسکونی در داخل‏ دایره اوّل بوجود می‏آید و با گذشت زمان و توسعه تدریجی شهر،دایره‏ اوّل را دایرهء دیگری احاطه می‏کند زیرا مردم ناچار هستند با افزایش‏ فعالیتهای بازرگانی،عمده غروشی،خرده فروشی،مراکز حمل و نقل و همچنین ایجاد هتل‏ها،سینماها و مراکز تفریحی به منطقهء دیگری که در داخل دایره دوم قرار دارد مهاجرت کنند.3(لازم به تذکّراست که ارنست‏ برگس معتقد به 5دایرهء متّحدالمرکز در شهر شیکاگو می‏باشد).

برای این مرکز یعنی لوپ که بعدا مسکن و پناهگاه مهاجران و زاغه- نشین‏ها و افراد کم‏درآمد می‏شود مشخصاتی از جمله غیربهداشتی بودن، تراکم زیاد جمعیت،پایین بودن سطح درآمد،دزدی،فحشا،اعتیاد،بیکاری، خانه‏های غیر استاندارد و عدم امکانات تفریحی قایل شده است.

(2)-رک:شکویی-دکتر حسین.جغرافیای اجتماعی شهرها-اکولوژی‏ اجتماعی شهر.سال 1365.انتشارات جهاد دانشگاهی.ص 18.

(3)-رک:شکویی،دکتر حسین.جغرافیای شهری.تبریز-سال 1345- ج 1.ص.2.

برای در دست داشتن یک مطالعهء تحقیقی آزمایشی مراحل هجوم‏ اکولوژیکی و مشخصات آن در بخش مرکزی شهر تهران،مجلهء محلهء کلیمی- نشین در خیابان پامنار انتخاب شده است تا صحّت و سقم این نظزیات در آن‏ ملوحظ گردد.برای روشن شدن موضوع بهتراست ابتدا تاریخچهء تشکیل‏ بازار به‏طور مختصر بیان گردد.

مختصری از تاریخچه و موقعیت بازار:

از آنجا که بازار تابعی از شهر تهران است و سابقهء تاریخی آنها،جدا از یکدیگر نمی‏باشد،لازم است برای آگاهی از تاریخچهء بازار،نگاهی‏ گذرا به تاریخ تهران داشت.محققا تهران در قرن سوم هجری،به صورت‏ روستایی از توابع شهر ری وجود داشته ولی از اعتبار چندانی برخوردار نبوده است.پس از حملهء مغول در سال 612 هجری قمری و ویرانی ری که‏ تا قبل از آن آبادترین و مهمترین شهر ایالت ری و مرکز آن بوده است، رفته‏رفته تهران وسعتی یافته و در خلاء ناشی از خرابی شهر ری،مورد توّجه قرار می‏گیرد.

در سال 806 قمری که برای اولین بار یک اروپایی بنام کلاویخو از تهران بازدید کرد،تهران تابع ایالت ری بود.به علّت ویرانی ری،ورامین‏ مرکز ایالت بوده و تهران مقّر نماینده‏ای از جانب حاکم ایالت،و دارای‏ اقامتگاه سلطنتی بود تا اینکه در سال 961 قمری،توسط شاه طهماسب اول، بازاری در تهران و بارویی به دور آن بنا شد.

این دروازه‏ها چهارتا بودند که دارای صدوچهارده برج(به تعداد سوره‏های قرآن)بود.حدود تقریبی این حصار نسبت به خیابانهای‏ امروزی بدین قرار بوده است:

1-از شمال:حدود خیابان امیرکبیر(چراغ برق)و خیابان و میدان‏ امام‏خمینی(سپه).

2-از ژرق:حدود خیابان ری.

3-از جنوب:خیابان مولوی.

4-از غرب:با اندکی انحراف،حدود خیابان حنیف‏نژاد(ژاهپور). چهار دروازهء آن عبارت بودند از:

1-دروازه حضرت عبد العظیم یا دروازه اصفهان،در ابتدای بازار حضرتی حدود چهار راه مولوی.

2-دروازه دولاب در خیابان ری.

3-دروازه شمیران در مدخل پامنار.

4-دروازه قزوین در میدان ژاهپور.

آقا محمدخان قاجار در سال 1200 هجری قمری تهران را به عنوان‏ پایتخت انتخاب کرد.پس از آن تهران گسترش بیشتری پیدا کرد و برجمعیت‏ آن افزوده گردید،بطوریکه جمعیت آن در دوران آقامحمدخان حدود 15000 نفر بود و در زمان تحعلی‏شاه به حدود 50000 نفر رسید.وسعت‏ بیش از اندازهء تهران که سبب افزایش جمعیت تا حدود 150000 نفر شده‏ بود،باعث می‏شود که در سال 1284 به دستور ناصرالدّین شا با روی شهر از شمال حدود 1870 متر و از سه جانب دیگر هرکدام حدود 1040 متر به خارج انتقال یافته و محیط حصار شهر از حدود 3 کیلومتر به حدود نوزده‏ کیلومتر افزایش یابد.حصار جدید به شکل هشت ضلعی نامنظم(از روی‏ نقشهء حصار پاریس)ساخته شده و دوازده دروازه داشت،بعد از آن جمعیت‏ تهراان در سال 1309 به دویست‏و پنجاه هزار نفر رسید و درسال 1355 هجری‏ شمسی به حدود یک و نیم میلیون نفر بالغ شد.

برحسب برخی شواهد و قراین تاریخی،بازار در محلی واقع شده که‏ روزگاری هستهء مرکزی درروستای تهران را تشکیل می‏داده و قبل از احداث برج و با روی شهر،مرکز عمده دادوستد مردم بوده است.خانه‏های‏ مسکونی بیشتر در عودلاجان و چالمیدان قرار داشته و بازار در مشرق‏ چهار سوق بزرگ،محل کسب و کار و اشتغال پیشه‏وران در آن زمان بوده‏ است.

در مرحله اول،یعنی مرحلهء تکوین تاریخی،تولّد و رشد شهر،تهران‏ دارای 5 محله بوده است(حدود یک قرن پیش)بنام‏های ارک،عودلاجان، چالمیدان،سنگلج و بازار.بیشترین بناهای قاجاریه،از دوران سلطنت‏ پنجاه‏ساله ناصرالدین شاه به‏جا مانده که تحت تأثیر فرهنگ غرب بوده‏ است.از جمله بناهایی که در محدودهء بازار ازآن زمان برجای مانده، می‏توان از بازار بزرگ،بازار کفّاشان،سرای امیر یا اتابکه،بقعه قبر آقا،مدرسه و مسجد شیخ عبد الحسین،تیمچه و سرای حاجب ادوله نام برد که بیشترین آنها به همّت امیرکبیر ساخته شده است.

در طول سالیان دراز منطقهء بازار فراز و نشیبهای فراوانی را پشت‏سر گذاشته و معابر آن بارها دستخوش تغییر گردیده تا به صورت امروزی‏ باقی مانده است.از جمله بازارهای قدیمی می‏توان از بازارهای کنار خندق،لبّافی،مرغیها،نعل‏چی،کرجی‏دوزی،سراجی و دروازه نام برد. همچنین دو چهار سوق بزرگ و کوچک به ترتیب در سالهای 1222 و 1243 در زمان فتحعلی‏شاه ساخته شده‏اند.

با توجه به گسترش شهر و افزایش جمعیت،صنایع تولیدی گسترش‏ یافته و افزایش واردات باعث می‏شود که به تدریج مراکز تجاری و بازرگانی‏ در سطح شهر پراکنده شوند و بازار که روزگاری یکّه تاز میدان تجارت و دادوستد بود،به تدریج اهمیت اولیه خود را از دست داده و به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری شناخته شود.با این همه هنوز بازار مهمترین مرکز داد وستد و مبادلهء کالاهای تجاری تهران و صدور کالا به سایر شهرهای کشور است.1

موقعیت ویژگیها و سیر تحول منطقهء مورد مطالعه

منطقهء مورد مطالعه که در بخش مرکزی و جزء بافتهای قدیمی شهر تهران می‏باشد و بربخشی از محلهء قدیمی عودلاجان انطباق دارد به صورت‏ چهار ضلعی منظمی از جنوب به خیابان پانزده خرداد و از شرق به خیابان شهید (1)-در این مطالب از نقشه راهنمای بازار تهران،انتشارات گیتاشناسی استفاده‏ شده است.

مصطفی خمینی و از غرب به خیابان پامنار و از شمال به کوچهء کلانتری محدود می‏گردد،و در حوزهء عملکرد ناحیهء 2 از شهرداری منطقه 12 تهران واقع‏ گردیده است.در گذشته این منطقه به صورت گتوی کلیمی‏نشین عمل می‏کرده‏ و سکونت یهودیهای تهران در این محدوده قرار داشته و مالکیت اراضی‏ عمدتا متعلق به آنان بوده است.منطقه هنوز بافت قدیمی خود را به صورت‏ واحدهای مسکونی قدیمی‏ساز و در حال ریزش و انهدام و با مصالح قدیمی و سنّتی و کوچه‏های تنگ و پرپیچ‏و خم و بعضا دارای بن‏بست،و یک میدان‏ نسبتا بزرگ در مرکزیت تقریبی منطقه،حفظ کرده است.احداث‏ خیابانهای پامنار و مصطفی‏خمینی(سیروس سابق)در حدود 35 تا 40 سال‏ پیش این بخش را از بافتهای قدیمی همجوار که در شرق تا خیابان ری‏ ادامه یافته و در غرب منطقه بازارچهء مروی را تشکیل می‏دهد جدا ساخته‏ است.چهرهء عمومی منطقه حکایت از گسستگی و ریزش می‏نماید و ظهور واحدهای منفرد و نوساز و رعایت بافت قدیمی در داخل آن،تجانس آن را به هم زده است.در این تحقیق ویژگیهای منطقهء مزبور تحت عناوین هجوم‏ اکولوژیکی،جایگزینی،چهرهء فیزیکی منطقه،زندگی در منازل عمومی‏ و کاروانسراها بیان می‏گردد.

1-هجوم اکولوژیکی و جایگزینی:همانطور که قبلا بیان گردید این منطقه به صورت گتوی کلیمی‏نشین تهران عمل می‏کرده است و با گسترش شهر تهران،یهودیهای منطقه به نسبت سطح درآمد و رفاه،تدریجا از منطقه خارج شده و در حاشیهء در حال گسترش شمال شهر تهران مانند منطقه باغ صبا و خیابانهای نظام آباد،فلسطین و بالاخره شمیران ساکن‏ می‏شدند و از فروش خانه‏ها و مساکن خود در این منطقه خودداری می‏نمودند. از حدود 30 سال پیش به نسبت تخلیهء منطقه از یهودیها،افراد تازه وارد مسلمان از استانهای خراسان،اراک،مازندران و سمنان که به تهران مهاجرت‏ می‏کردند،در منطقه سکونت اختیار کرده و مساکن تخلیه شدهء یهودیها را اجاره می‏نمودند.در ادامهء این جریان نهایتا هجوم اکولوژیکی به مراحل‏ پایانی نزدیک شده و قسمت اعظم منطقه در اختیار مهاجرین مسلمان غیرتهرانی قرار گرفت.یهودیهای خارج شده از منطقه عموما(بجز موارد استثنا)از فروش ملکی مساکن خود خودداری نموده و ارتباط خود را به صورت‏های‏ مختلف با منطقه حفظ می‏کردند که عمدتا شامل موارد ذیل بود:

الف-ارتباط مذهبی به دلیل وجود کنیسه‏های متعدّد کوچک و بزرگ. برای مثال در مجاورت میدان اصلی منطقهء مورد مطالعه،هفت کنیسه در محدودهء مکانی کوچک و چسبیده به هم قرار داشت و در قسمت شرقی خیابان‏ شهید مصطفی خمینی(بین کوچه‏های علوی و تقوی)کنیسهء مهم آنها به صورت محل تجمّع هفتگی درآمده بود و اکنون نیز به صورت ضعیفتر عمل می‏نماید و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مرکزیّت جمع آوری کمک‏ مالی به اسرائیل را داشت و کمکها پس از جمع‏آوری به اسرائیل ارسال‏ می‏گردید.

ب-ارتباط غذایی:به دلیل وجود فروشگاههای گوشت گاو و گوسفند به ویژه مرغ که صاحبان آنها یهودی بودند و از سراسر تهران به سبب عقاید خاص خودشان جهت خرید گوشت به منطقه مراجعه می‏کردند ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به میزان زیادی کاهش یافته است و این ارتباط هنوز به صورت ضعیف‏تر وجود دارد.

ج-ارتباط اجتماعی و اقتصادی:دید و بازدید با اقوام و پدر و مادر که در محل باقی مانده بودند و نیز سرکشی از منازل و مساکن و دریافت‏ اجاره بها و نیز انجام کارهای تجاری و اقتصادی در منطقه،مؤیّد این ارتباط است.

با پیروزی انقلاب اسلامی تحوّلاتی در منطقه بوجود آمد.بدین معنی‏ که یهودیهای خارج شده از منطقه که بعضا به صورت سرمایه‏دارنی در تهران‏ درآمده بودند بعد از پیروزی و حتّی در دوران اوج‏گیری انقلاب(سالهای‏ 57 و 58)اقدام به فروش مساکن خود نمودند که توسّط مسلمانان ساکن در آنها و یا افراد دیگر خریداری گردید.عده‏ای نیز از کشور فرار نموده و به اسرائیل و یا سایر کشورها گریختند و بعضی حتّی فرصت فروش را پیدا نکردند(برای نمونه کاروانسرای دردشتی).فروش املاک به خانه‏ها محدود نگردید بلکه کنیسه‏ها را نیز در برگرفت به‏طوریکه در مجاورت‏ میدان محلّه،یکی از کنیسه‏ها از حدود دو سال پیش به فروش رفته و به صورت انباری از آن استفاده می‏شود.

امروزه تعداد معدودی از یهودیها که عمدتا از فقرا و طبقهء کم درآمد و افراد مسن بوده‏اند،بدون اینکه برای آنها مزاحمتی فراهم گردد در محل‏ زندگی می‏کنند.یهودیها در گذشته برای خود مدارس و بیمارستان ویژه‏ داشتند که هنوز هم وجود دارد لکن منحصر به آنها نبوده و همگان از آن‏ استفاده می‏کنند.مهاجرین ساکن در منطقه نیز بعضا محل را ترک نموده و به محلهای مناسبتر تهران می‏روند و منازل آنها توسط گروه دیگری که‏ جزو معاودین عراقی هستند خریداری می‏گردد.برای مثال در قسمت شرقی‏ محل و در کوچهء مسجد حوض حدود 7./.خانه‏ها توسط آنها خریداری‏ گردیده و جالب اینکه سعی بر خرید خانه‏ها به قیمت بالاتر از افراد دیگر را دارند و به صورت هماهنگ عمل می‏کنند.توضیح اینکه این گروه اجتماعی‏ که در سالهای 1350 و 1352 از کشور عراق بیرون رانده شدند،در محل‏ بازارچهء مروی مستقر شده و تدریجا با هماهنگی و همکاری یکدیگر،منطقهء بازارچهء مروی(بین خیابانهای ناصرخسرو و پامنار)را به صورت یک گتوی‏ عرب‏نشین درآورده و با یک نوع همبستگی عجیب،مساکن و بازار و مغازه‏های‏ گتو را در اختیار گرفته و هوای همدیگر را دارند.با افزایش تدریجی‏ عربها گتوی آنها دچار کمبود فضا گردیده و به ناچار به فضاهای مجاور از جمله منطقهء مورد مطالعه که در همسایگی شرقی آنها می‏باشد نفوذ می‏نمایند، یعنی در آینده احتمال هجوم اکولوژیکی مرحلهء دوم نیز در منطقهء مورد مطالعه وجود دارد که این منطقه به تصرف گروه اجتماعی دیگری درآید (معاودین عراقی بیشتر در امور تجاری و مغازه‏داری فعالیت می‏کنند و به هنگام نفوذ تجاری اغیار و یا به هنگام دعوا،هوای همدیگر را خوب‏ دارند و غالبا اجناس کمیاب و قاچاق از قبیل سیگار خارجی،کت،اورکت، البسه،دوربین،وسایل برقی،قطعات یدکی،وسایل خانگی و ظروف، داروجات و غیره را می‏فروشند).

تجاوز بازار تهران نیز به دلیل نزدیکی آن به منطقه کاملا مشهود می‏باشد و بعضی از مساکن و سراها به صورت انبار و یا کارگاه کوچک و بزرگ ماشینی یا دستی درآمده است.

گروه اجتماعی دیگری که در منطقه حضور پیدا کرده است افاغنه‏ می‏باشند که به صورت کارگر غیر ماهر به واحدهای کوچک صنعتی و کارگاهی(تراشکاری،قالب‏سازی،پرسکاری)جذب شده و در همان‏ محل سکونت گزیده‏اند.دلیل جذب افاغنه در کارگاهها عمدتا درآمد بیشتر در این مشاغل،روحیهء اطاعت از کارفرما،توقع کمتر و داشتن‏ قدرت جسمی است زیرا کار بر روی دستگاهها به ویژه پرسکاری به نیروی‏ جسمی انسانی زیادی نیازمند می‏باشد.افاغنه عموما زندگی مجرد داشته و خانواده‏های آنها در افغانستان یا اردوها می‏باشند،در حالیکه عربها و معاودین‏ عراقی عموما با خانواده هستند.

جدول سیر جایگزینی گروههای اجتماعی در منطقه‏ نکتهء دیگر اینکه فرزندان ساکنین کنونی منطقه که جایگزین کلیمی‏ها بوده‏اند،معمولا در منطقه ساکن نبوده و در سایر نواحی تهران سکونت‏ می‏گزینند.از طرفی جریان مهاجرت فردی و خانوادگی افراد از مناطق‏ مختلف کشور و جایگزینی آنها به جای افراد و خانواده‏هایی که اتاقهای‏ کاروانسراها و یا خانه‏های خود را تخلیه نموده و به سایر نقاط تهران می‏روند، ادامه دارد.

مراحل سکونت گزینی افراد 2-چهره فیزیکی منطقه:منطقه مورد مطالعه دارای بافت قدیمی‏ است.خانه‏ها و ساختمانها عمدتا با معماری سنتی و مصالح قدیمی(چوب- آجر-خشت)باقی مانده‏اند.کوچه‏ها و معابر عمومی تنگ و باریک و پرپیچ و خم و بعضا دارای بن‏بست و یا بازار مسقّف بوده،که در نقشه‏های‏ ضمیمه مشخص می‏باشد.در مقایسهء نقشه‏های شمارهء 1 و 2 مشخص می‏شود که‏ به جز خیابانهای اطاف،بافت امروزی منطقه،همان بافت قدیمی تهران‏ اولیه(که در نقشه شماره 1 در سال 1275 بیان شده است)می‏باشد.منازل‏ و واحدهای مسکونی به صورت خانه‏های محقّر و کوچک تک خانواری و نیز سراها و خانه‏های بزرگ و عمومی که قبلا به صورت منازل اعیان عمل‏ می‏کرده‏اند وجود دارد(در دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی در منطقه‏ و مجاور آن افرادی از سران دولتی در رده‏های سرلشکر و سرتیپ،دکتر، رئیس دیوانعالی کشور زندگی می‏کردند و در حقیقت اعیان نشین بوده‏اند.) بعضی از منازل به تریج از حالت تک‏خانواری خارج شده و به صورت چند- خانواری درآمده‏اند.سر رفتگر شهرداری ناحیه اظهار داشته بود که«حدود 30 سال قبل از هر خانه‏ای یک سطل زباله تحویل می‏گرفتیم ولی الان 30 سطل زباله بیرون می‏آوریم!»زیر بنای ساختمانها به دلیل وجود چاههای‏ متعدد فاضلاب متزلزل می‏باشد و هر خانه به دلیل قدمت و سابقهء طولانی و تراکم جمعیت مجبور به حفر حلقه چاههای جدید شده‏اند و اکثر منازل دو یا سه چاه دارد.گاهی این چاههای نزدیک به هم که قدرت تحمّل پایه، بستر و سوکل ساختمانهای قدیمی را ضعیف می‏نمایند،خانه‏ها را بلعیده و به کام خود فرو می‏کشند.

چهرهء عمومی منطقه حاکی از متلاشی‏شدن و از هم گسیختگی،ریزش‏ و انهدام خانه‏ها می‏نماید.نوسازی هم در گذشته به داخل منطقه نفوذ نکرده است.دلیل این امر قدمت ساختمانها و ممنوع بودن صدور پروانهء ساختمان‏ یا تعمیر برای واحدهای مسکونی یا تجاری بوده است،زیرا در گذشته این‏ منطقه جزو فضای سبز و تفریحی در طرح جامع محسوب گردیده است. البته افراد اعم از مالکین و مستأجرین بعضا در بحبوحهء انقلاب بطور غیر- قانونی اقدام به ساختن و تعمیر و یا تبدیل واحدهای مسکونی به تجاری‏ نمودند.از چهار سال پیش به دلیل خطرات ناشی از ریزش ساختمانها و مساکن از طرف شهرداری پروانهء تعمیر و احداث برای مساکن صادر می‏گردد، ولی افراد عمدتا جهت مراکز تجاری از آنها استفاده می‏کنند.البته برای‏ نوسازی واحدهای تجاری قدیمی نیز پروانه صادر می‏گردد.صدور پروانه‏ برای ساختمانها و مساکن از طرف شهرداری،سه پیامد را به همراه داشته‏ است.

الف-ظهور ساختمانهایی با معماری جدید و در قالب بافت قدیمی‏ منطقه که باعث به هم خوردن تجانس مورفولوژیک آن می‏گردد و به عبارتی‏ معماری جدید قلمرو خود را در محل،با حفظ بافت گذشته وسعت می‏دهد. ب-قیمت زمین و بهای ساختمان‏ها و منازل نسبت به گذشته و قبل از صدور پروانهء ساختمان برای منطقه افزایش یافته است.

ج-ساختمانهای جدید عمدتا در قلمرو نفوذ بازار تهران که در مجاورت منطقه می‏باشد(حاشیهء جنوبی آن)قرار می‏گیرد و به انبار کالاها و کارگاههای دستی و یا صنعتی کوچک تبدیل می‏گردد.تجاوز و نفوذ بازار در منطقه،محدود به ساختمانهای نوساز نمی‏باشد بلکه تعدادی از واحدهای‏ مسکونی و تجاری قدیمی نیز به صورت کارگاههای کوچک ژاکت بافی، چمدان‏سازی،کیف‏سازی،انبار پارچه‏های کهنه،گیلان‏دوزی،انبار کاغذ،قالب‏ریزی،تراشکاری،پرسکاری،چاپخانه،انبار پلاستیکهای‏ کهنه،انبار حجره‏های داخل بازار،فروشگاهها و...درآمده است.منطقهء مزبور به نسبت نزدیکی به بازار،مورد تجاوز قرار گرفته و در حقیقت بازار قلمرو نفوذ خود را به ترتیب اهمیت از حاشیه‏های جنوبی،غربی و شرقیبه سمت داخل منطقه گسترش می‏دهد و در بعضی مساکن و خانه‏ها،سکونت و بازار بر هم منطبقند.یعنی خانه نقش انبار و یا کارگاه و نقش محل مسکونی‏ را به موازات هم انجام می‏دهد و این امر در خانه‏های تک خانواری و چند- خانواری و کاروانسراها دیده می‏شود.جالب اینکه ساختمان شهرداری‏ منطقه نیز گرچه چهرهء نوسازی دارد،گویا خواسته است هنوایی خود را با بافت منطقه حفظ نماید و در مقام مقایسه با سایر شهرداریها،فقیر و محدود و کوچک می‏باشد،و اتوموبیلهای شهرداری ناچار هستند در کوچه‏های‏ تنگ مجاور و با فاصلهء چند سانتی‏متر با دیوار پارک نمایند و تردّد با وسایل‏ نقلیه در این کوچه‏ها مهارت خاصی را طلب می‏نماید.

3-زندگی در خانه‏های عمومی و کاروانسراها:زندگی در منطقهء موردنظر و در داخل خانه‏ها به صورت تک خانواری،یا چندخانواری‏ به نحوی که عموما محل اشتغال و سکونت به هم آمیخته است وجود دارد. همانطور که یادآوری گردید سکونتگاهها چهرهء در حال ریزش و انهدامی‏ دارند و به قول معروف،عمر خود را کرده و برای سکونت مناسب نیستند و این امر عمدتا ناشی از قدمت ساختمانها و نبودن بعضی از مالکین و عدم‏ مجوّز نوسازی و تعمیرات بوده است.وضع بهداشت و خدمات عمومی به نسبت‏ سایر مناطق تهران رضایتبخش نیست.غالب سکنهء آنجا به صورت مهاجرین‏ قدیمی و یا جدید از شهرستانها و استانهای مختلف کشور به ویژه،استانهای‏ شرقی آمده‏اند(حاشیه شرقی تهران قدیم پذیرای مهمانان شرق کشور گردیده است).فقر و بیچارگی در سراها کاملا مشهود است.سوءتغذیه، پایین بودن سطح سواد،سکونت گزینی همچون لانهء مورچگان،تراکم بیش‏ از حد جمعیت،اشتغال ناقص و تحقیرآمیز و بیکاری پنهان،دست‏فروشی، کارگری ساده،وضعیت ناگوار بهداشتی،وجود حشرات(مانند مار، موش،عقرب مارمولک،هزارپایشه،مگس و موریانه)از مشخصات آن می‏باشد. ضمنا در گذشته به‏دلیل وجود گوشت‏فروشیها و مرغ‏فروشیهای زیاد برای‏ تأمین نیاز کلیمیان محل و نیز آنهاییکه در سایر نقاط تهران سکونت داشتند، در بخشی از منطقه،ساکنین از بوی بد آن‏که باعث آلودگی محیط زیست‏ آنها شده بود ناراحت بودند.به‏دلیل کاهش این واحدها،درحال حاض این مشکل تا اندازه‏ای حل شده است.

زندگی در سراها و کاروانسراها بسیار نگران‏کننده و زجرآور بوده‏ و حتی توهین به کرامت انسان است.این سراها همانطور که بیان گردید، در گذشته خانه‏های اعیان و ثروتمندان منطقه بوده که برای یک خانوار از فضای نسبی بیشتری برخوردار بوده است و صاحبان اصلی آنرا فروخته و یا به اجاره واگذار کرده‏اند.این سراها همیشه شاهد مهمانان مجرد یا خانواده‏دار و جدیدالورود از شهرستانها و خروج مهمانان قدیمی و پرش و سکونت آنها در سایر نقاط تهران مانند اتابک و افسریه می‏باشند.

در منطقهء مورد مطالعه،سه نمونه کاروانسرا مورد بازدید قرار گرفت‏ که یک نمونه آن به تعداد سه مورد در حاشیهء بازارچه عودلاجان به‏طور کامل نقش تجاری داشته و ساکنین قبلی به تدریج آن را تخلیه نموده و کارگاهها و انبارها بر مسکن گزینی غلبه یافته است.دو نمونهء دیگر که‏ یکی از آن‏ها مسکونی و دیگری نیمه‏مسکونی و نیمه‏تجاری می‏باشد،دراینجا مورد بررسی قرار گرفته و زندگی در آن‏ها بیان می‏گردد:

الف-کاروانسرای دردشتی:مالکیت آن متعلق به یک یهودی است‏ که با پیروزی انقلاب اسلامی به خارج گریخته و یک یهودی دیگر(گویا به نیابت از طرف مالک)هرچند وقت به‏آنجا سر می‏زند.این خانهء بزرگ و عمومی در انتهای کوچهء بن‏بست در شرق بازارچهء عودلاجان واقع شده است‏ (درنقشه مشخص گردیده است)ساکنین این کاروانسرا اکثرا اهل سرولایت‏ نیشابور می‏باشند و تعداد معدودی نیز از سایر مناطق کشور مانند مازندران‏ هستند.تعداد آنها 44 خانوار و 182 نفر می‏باشد.10 اتاق در اختیار 40 نفر جوان و نوجوان مهاجر قرار دارد.خانه‏های کوچک و بزرگ در دو طبقهء نیمه زیرزمین و بالای آن و در دالانهای زیرزمینی وجود دارد.برای‏ مثال در یک دخمهء زیرزمینی با ابعاد 5/2.2 متر و ارتفاع 80/1 متر با سقف ضربی مرکب و آجرهای سیه تیره،سه نفر جوان با هم زندگی‏ می‏کنند،در حالیکه وسایلشان هم با آنها است.یا در یک اتاق 12 متری‏ زیرزمینی که چند پله می‏خورد 8 نفر زندگی می‏کنند و وسایل زندگیشان نیز دور اتاق چیده است.درآمد خانواده بسیار پایین است و سرپرست آن‏ نیز به علت اعتیاد در زندان بسر می‏برد و جز خرج اضافی درآمدی برای‏ خانواده ندارد.درآمد خانواده با روزی 80 تومان توسط پسر بزرگ که‏ حدود 14 سال دارد و دارای عقب‏افتادگی ذهنی نیز می‏باشد از طریق کار در سراجی تأمین می‏شود.ما در خانواده نیز بعضی از روزها با خدمتکاری‏ در خانه‏ها تا 40 تومان درآمد دارد.یا فردی که از سال 1351 در آنجا بسر می‏برد در یک اتاق 15 متری که وسایلش دور آن چیده شده است با زن و چهار فرزند و مادر خود زندگی می‏کند.یکی از بچه‏هایش کلاس‏ اول و معدلش 12 می‏باشد.برادرش که اینجا زندگی می‏کرده اخیرا با خرید خانه‏ای 60 متری در اتابک به آنجا پرش کرده است.

خانوادها کم و بیش وضع مشابهی دارند و عمدتا چند سال است در اینجا ساکن هستند(بعضی بیش از 20 سال).اتاقها بین افراد خرید و فروش می‏شود.بهای هر اتاق ار هفت تا ده‏هزار تومان تفاوت می‏کند. افراد با کمک دوستان،آشنایان،برادران،فرزندان و یا اولیاء خود از سرولایت به اینجا آمده‏اند.در این کاروانسرا 6 نفر خانم بیوه وجود دارد. کاروانسرا دارای چهار کنتور برق است که سیم‏کشی داخل آن غیراستاندارد و خطرناک می‏باشد.خانواده‏ها بطور مشترک دارای یک شیر آب که اخیرا حوضچهء آن بازسازی شده است،و نیز دو توالت زنانه و مردانه می‏باشند و جهت شستن لباسها از آب جوی کنار خیابان استفاده می‏کنند.عده‏ایکاغذ پاره‏ و پلاستیک جمع کرده و می‏فروشند(گاری مربوط را با قیمت 1500 تومان‏ از خیابان مولوی مخرند)،عده‏ای هم در همان اتاق و محل سکونت، شخصی(برای مثال پاکت‏سازی دستی)دارند.کف کاروانسرا لجن آلود و کثیف است.دعواها در حد سروصدا و احیانا ناسزا،ناشی از برخورد بچه‏ها و یا بر سر شیر آب،و یا نظافت می‏باشد و با پا درمیانی دیگران‏ حل و فصل شده و کمتر منجر به دخالت پلیس می‏گردد.چهار نفر در ارتباط با اعتیاد دستگیر و ترک داده شده‏اند و یک نفر که اهل کردستان است همسرش از او طلاق گرفته است.دزدی و فساد اخلاق در بین آنها نادراست‏ به علل اینکه اولا مسلمان و معتقدند ثانیا همشهری و هم محلی بوده و یکدیگر را می‏شناسند.در مراسم مذهبی حضور داشته و در ماه محرم هیأت عزاداری‏ به راه می‏اندازند.مواقع بیکاری را با گردش در بیرون و یا مذاکره با همسایگان و یا دیدن تلویزیون می‏گذرانند.از حدود 40 نفر دانش‏آموز موجود در این کاروانسرا تعداد 10 نفر مردود شده‏اند(یعنی 25/.). دانش‏آموزان حد اقل یک‏بار مردودی را تجربه نموده‏اند.دو نفر دیپلمه در کاروانسرا هستند که یکی خود را برای کنکور آماده می‏کند و دیگری‏ به جمع‏آوری کاغذ از معابر اشتغال دارد.

ب-کاروانسرای سلطان علی‏ایوب:این کاروانسرا در کوچهء ایوب‏ و قسمت شرقی میدان منطقه قرار دارد(در روی نقشه مشخص شده است). حدود 20 اتاق دارد که اجاره داده شده‏اند.برای واحدهای مسکونی هر ماه‏ 400 تومان اجاره گرفته می‏شود.چهار خانواده و 5 مجرد در آن زندگی‏ می‏کنند،9 اتاق آن به صورت مغازه‏ها و کارگاههای سراجی و صحافی‏ درآمده است.قبلا اینجا همه‏اش مسکونی بوده ولی تدریجا به کارگاه‏ تبدیل شده‏اند.مرحلهء هجوم و تجاوز بازار آغاز و تا نیمهء راه آمده است. از خانوارهای 2 نفری تا 10 نفری در آن زندگی می‏کنند.در مقایسه با کاروانسرای دردشتی از نظافت بهتری برخوردار می‏باشند.بیشتر ساکنین‏ آن اهل مازندران و آذربایجان می‏باشند و عمدتا بیش از 20 سال است که‏ در اینجا سکونت دارند.چهار نفر افغانی اینجا بوده‏اند که صاحبخانه آنها را بیرون کرده است.دعوای منجر به دخالت پلیس و دزدی و فحشاء،به علت‏ تدّین یک دست بودن نادراست.شغل ساکنین لحافدوزی،کارگری حمام، قیرزنی و سراجی می‏باشد.بعضی خانه‏ها به صورت دخمه‏های زیرزمینی و روزمینی‏ها می‏باشد.برای مثال در یک خانهء روزمینی آجری دارای ابعاد 5/2.2 متر،یک فرد مازندرانی بهمراه دو فرزندش 15 سال است که زندگی‏ می‏کنند در حالیکه وسایل آنها در اطراف اتاق آویزان است.هر سه نفر بی‏سوادند.از یکی از دیوارهای دخمه آب نشست می‏کند و پدر که لحاف‏دوز است از درد کمر و پا رنج می‏برد و بستری است.کاروانسرا یک شیر آب و کنتور برق دارد و سیم‏کشی نیز استاندارد نیست.

در این کاروانسراها ترکیبی از افراد پیر-جوان-مجرّد،متأهّل‏ دید می‏شود.اشتغال افراد در منطقهء مورد مطالعه همانطور که یادآوری‏ گردید عمدتا جمع‏آوری کاغذ،پلاستیک،کهنه و امثالهم و نیز کار در کارگاههای خانگی مانند ژاکت‏بافی آبکاری،نگین‏کاری،پاکت‏سازی‏ یا کارگاههای کوچک چون سراجی،گیلان دوزی،یا کارگاههای بزرگتر صنعتی مانند پرسکاری،تراش کاری،قالب ریزی و یا دست فروشی،حمالی، مغازه‏داری،و غیره می‏باشد.کاغذها،نان و نمک‏ها،پلاستیک‏ها توسط افراد شبها از معابر عمومی جمع‏آوری و به گاریها منتقل شده و به انبارهای مستقر در محل‏ سپرده می‏شوند(هر کیلو گرم کاغذ بین 35 تا 40 ریال به انباردار فروخته‏ می‏شود).و از انبارها به سوی کارخانه‏های تبدیل‏کننده ارسال می‏گردند.

در گیلان دوزی پارچه‏های کهنه توسط کارگران کارگاه در هوا و فضای بسیار کثیف و آلوده شکافته شده و به صورت یک لایه درمی‏آید.سپس‏ توسط چرخهای خیاطی بزرگ به هم دوخته شده و به صورت تخته‏های منظم‏ دایره‏ای شکل به ضخامت حدود یک سانتی‏متر و قطرهای متفاوت(معمولا نیم‏متر)درآمده و جهت آبکاری فلزات(سپرهای ماشین،چراغ،سماور و غیره)به کارخانجات صنعتی فروخته می‏شود.

آنچه آمد وضعیت ناگوار زندگی رفاهی و شغلی ساکنین بیغوله‏های‏ واقع در قلب تهران بزرگ می‏باشد.وضع انسانهایی که خداوند به انها کرامت انسانی عطا کرده است.

یادآوری:خانه‏های تک‏خانواری منطقه نیز از نظر قدمت،چهرهء فیزیکی،سکنهء مهاجر شهرستانی،نفوذ بازار،شرایط اجتماعی،رفاهی و غیره مشابه کاروانسراها و آنچه ذکر گردیده می‏باشد،منتهی سکنهء آنها از فضای حیاتی و استقلال زندگی بیشتری نسبت به سکنهء کاروانسراها برخوردار می‏باشند.

نتیجه‏گیری:

1-منطقه یک مرحله از هجوم اکولوژیکی را بطور کامل پشت‏سر گذاشته است و دومین مرحله را در دوجهت:الف-نفوذ گتوی عربها و ب-نفوذ بازار،آغاز نموده است.در حال حاضر نیز دارای ترکیب اجتماعی‏ خاصّی شامل کلیمی‏ها،مهاجرین اولیه،مهاجرین بعدی و کنونی از شهرها، عربها و افاغنه می‏باشد.

2-چهرهء فیزیکی منطقه بیانگر بافت قدیمی بوده و فراهم شدن‏ تسهیلات نوسازی با رعایت بافت قدیمی،اولا باعث به هم خوردن تجانس‏ و گسترش معماری جدید در قلب معماری سنّتی،ثانیا باعث افزایش بهای‏ زمین و ثالثا باعث تثبیت قطعی بازار در منطقه می‏گردد.

3-منطقه و کاروانسراها به صورت مهمانسرای مهاجرین شهرستانی‏ و سپس تثبیت اکثر آنها و نهایتا انتشار و گسترش آنها در نقاط مختلف تهران‏ عمل می‏کند

4-گروههای اجتماعی دارای همبستگی خاصی به هنگام وقوع خطر و یا درگیری برای منافع فردی یا مشترک آنها از سوی سایرین می‏باشند (عربها،خراسانیها،کلیمی‏ها و غیره).

5-ترکیب اجتماعی باعث برقراری روابط اجتماعی جدید بین اعضاء گروهها و صورت پذیرفتن ازدواج‏ها در بین آنها می‏گردد(بخصوص در سراها)و متقابلا درگیری اجتماعی نیز بین آنها فرض است.

6-سرمایه‏داری غرب و کشورهای جهان سوم که دارای نظام سرمایه- دارای می‏باشند مولد فرهنگ فقر و طبقاتی‏شدن جامعه و چهرهء تقریبا یکنواخت آن در اکثر شهرهای بزرگ آنها می‏باشد و بخش مرکزی شهرهای‏ بزرگ دارای شرایط مشابهی هستند و وضعیت زندگی در بیغوله‏های مرکز تهران همانطور که مشخص بود از دوران رژیم سرمایه‏داری گذشته و وابستهء به غرب شکل گرفته و هنوز هم متأسفانه باقی مانده است.همچنانکه ثروتمندان‏ و طبقات مرفّه از گذشته در شمال شهر تثبیت گردیده‏اند،و این تفاوت زیاد که عده‏ای در مرکز شهر بزرگ تهران از فقر و بیچارگی رنج ببرند و عدّهء زیادی در شمال شهر از امکانات خدماتی،رفاهی و زندگی برخوردار باشند دردی است که ریشه در نظام سرمایه‏داری گذشته داشته و تاوان آن به دوش‏ نظام جمهوری اسلامی افتاده است که می‏بایست با برنامه‏ریزی درست توسعه‏ در جهت متعادل کردن و رشد روستاها متناسب با شهرها و ایجاد امکانات‏ اشتغال در آنها برای رفع این‏گونه نابسامانیها چاره‏جویی نماید.چرا که‏ این تفاوت و عدم تعادل قابل توجیه نمی‏باشد و انقلاب اسلامی ماهیتا نمی‏تواند تبعیض را در هر شکلش بپذیرد که در بخشهای شمالی،شمالغربی و شمالشرقی‏ شهر تهران به نسبت مرکز و حاشیهء آن،عده‏ای در رفاه بسر برده و دارای‏ تغذیه و مسکن و آموزش و پرورش و فضای زندگی و هوای لطیف‏تر و محیط بهداشتی و خدمات بیشتر باشند و انسانهای بی‏بضاعت در فقر و بدبختی بسر برند.تأثیر تغذیه متفاوت را بین مرکز و شمال شهر تهران در مقایسه قد و وزن‏ دانش‏آموزان سالهای اول ابتدایی و متوسطه که در جدول زیر مشخص‏ می‏باشد می‏توان دریافت نمود.